فصلنامه مطالعات تفسیری
سال دوم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۸
صفحات ۱۰۰ ـ ۸۵

Motaleat-e Tafsiri
A Research Journal
Vol. 2, Winter 2012, No. 8

چیستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن

لیلا غلامی*
حسین علوی‌مهر**

چکیده

یکی از روش‌های تفسیر قرآن که در دهه‌های اخیر مورد توجه بیشتری نسبت به گذشته قرار گرفته است، تفسیر موضوعی است.

در این روش تفسیری موضوع می‌تواند بر اساس یکی از موضوعات: درون قرآنی، فراطبیعی و یا مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی بشر انتخاب گردد.

تفاوت تفسیر موضوعی با تفسیر قرآن به قرآن در این است که مفسر در تفسیر قرآن به قرآن به دنبال تبیین و بازشناسی معنا و مفهوم واژه یا مدلول آیات است اما هدف تفسیر موضوعی دستیابی به پیام قرآن، بیان نکته‌ای از مفاد قرآن و یا استخراج نظریه و دیدگاه قرآن پیرامون موضوع موردنظر است.

واژگان کلیدی

روش‌های تفسیری، تفسیر موضوعی، تفسیر قرآن به قرآن.

---

*. کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن. L_gholami_20@yahoo.com
**. استادیار گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی(ص) العالمیه. alavimehr5@hotmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۷

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]
[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

طرح مسئله

امروزه مسلمانان بیش‌از هر زمان دیگری به تدوین دیدگاه‌های قرآنی و ارائه طرحی جامع از موضوعات و مسائلی که جامعه بشری با آن درگیر است، نیازمنداند؛ و ازآنجاکه قرآن با توجه به نیازها، شرایط و حوادث مختلف در طول ۲۳ سال نازل شده است و بسیاری از آیات قرآن ناظر به سؤالات و مشکلات ویژه‌ای بوده است، برای دستیابی به نظر قرآن درباره موضوعی خاص، نمی‌توان به پاره‌ای از آیات استناد کرد؛ بلکه باید به مجموعه‌ای از آیات توجه نمود؛ و تفسیر ترتیبی در این زمینه، نمی‌تواند نیاز جامعه را برطرف کند؛ چراکه این تفسیر به موضوعات، نگرشی پراکنده دارد. ازاین‌رو، تفسیر موضوعی به جهت بیان منسجم نظر قرآن درباره موضوعی خاص، حائز اهمیت است. بنابراین، پرسش اینجاست که با چه روش و رویکردی می‌توان به دیدگاه قرآن درخصوص موضوعی خاص دست یافت؟

پیشینه موضوع و مسئله

جوانه‌های تفسیر موضوعی قبل‌از هرچیز در خود قرآن دیده می‌شود، پیش‌زمینه‌هایی از قبیل تفسیر «آیات متشابه» با «آیات محکم». پس از قرآن کریم در کلمات معصومین نیز نمونه‌های فراوانی آمده که گردآوری آیات مربوط به یک موضوع، جمع‌بندی و روش استفاده از آن را به ما آموخته است. (صدر، ۱۴۲۱: ۳۴؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۷۴ / ۹۲؛ ابن‌تیمیه، بی‌تا: ۹۳)

اگرچه تفسیر موضوعی به‌صورت پراکنده بر محورهای موضوعات خاص، در کلمات علمای گذشته دیده می‌شود، هیچ‌کدام تفسیر موضوعی را در تمام محورها مطرح نکرده‌اند.

محمدباقر مجلسی را می‌توان از پیشگامان این موضوع دانست، چراکه وی در هریک از فصول ***بحار الأنوار***، ضمن جمع‌آوری آیات مربوط به آن موضوع و بررسی کلی آنها، در بعضی موارد آرای مفسران را نقل کرده، به تبیین آیات می‌پردازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۱ / ۲۷؛ سبحانی، ۱۳۶۰: ۲۴)

از نمونه‌های دیگر تفسیر موضوعی در کلمات بزرگان پیشین، کتاب‌هایی است که تحت‌عنوان ***آیات الاحکام*** نوشته شده است. اولین کتابی که در این زمینه تألیف شده است،

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

کتاب ***احکام القرآن*** از محمد بن صائب کلبی از یاران امام باقر﵇ و امام صادق﵇ است. (صدر، ۱۳۳۸: ۳۲۱؛ کریمی، ۱۳۸۲: ۹۹)

بعد از او گروه زیادی از بزرگان فقها و دانشمندان به تألیف کتاب‌هایی درباره آیات الاحکام پرداخته‌اند، که محدث تهرانی در کتاب ***الذریعه*** بالغ بر سی کتاب از این سلسله را نام برده است، که مشهورترین آنها در میان علما و فقهای امروز، کتاب ***آیات الاحکام*** محقق اردبیلی، موسوم به ***زبدة البیان*** و ***آیات الاحکام*** فاضل مقداد موسوم به ***کنز العرفان*** است. و نیز کتاب‌هایی همچون ***اعجاز قرآن از نظر علوم امروز*** که در آن آیاتی مربوط به اکتشافات علمی امروز است و جزء معجزات علمی قرآن شمرده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۱ / ۲۹ ـ ۲۵)

کتاب‌هایی درباره قصص انبیا نیز تألیف شده است که داستان‌های انبیا را با گردآوری آیات قرآن تشریح می‌کند.

در برخی از آثار تفسیری معاصر که در آن به روش ترتیبی به آیات قرآن نگریسته شده است، مباحث قرآنی مستقلی با روش موضوعی به‌چشم می‌خورد. ***المیزان*** و ***المنار*** دو نمونه بارز این تفاسیرند.

حرکت موضوعی در بطن تفاسیر ترتیبی را باید نقطه عطف اقبال به تفسیر موضوعی دانست. امروزه دامنه این حرکت از قالب تفاسیر ترتیبی فراتر رفته و به‌طور مستقل نمایان شده است. تفاسیر ذیل را می‌توان در شمار تفاسیر موضوعی مستقل قرار داد:

۱. ***من هدی القرآن*** از محمود شلتوت؛

۲. ***سنت‌های تاریخ در قرآن*** از محمدباقر صدر؛

۳. ***معارف قرآن*** از محمدتقی مصباح یزدی؛

۴. ***پیام قرآن*** از ناصر مکارم شیرازی؛

۵. ***منشور جاوید قرآن*** از جعفر سبحانی؛

۶. ***مفاهیم القرآن*** از جعفر سبحانی؛

۷. ***تفسیر موضوعی قرآن*** از عبدالله جوادی آملی؛

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

۸ . ***خاتمیت، شناخت، فطرت*** و مجلدات هفت‌گانه ***مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی*** از مرتضی مطهری. (جلیلی، ۱۳۸۷: ۳۰)

با تمام این تلاش‌ها باید اعتراف کرد که هنوز مسئله تفسیر قرآن به شکل موضوعی دوران طفولیت خود را می‌گذراند و سال‌ها طول خواهد کشید تا همچون تفسیر ترتیبی مقام شایسته خود را پیدا کند.

درباره روش‌ها و اصل تفسیر موضوعی کتاب‌های زیادی نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

التفسیر الموضوعی، سید احمد کوفی؛ ***روش‌شناسی تفاسیر موضوعی***، سید هدایت جلیلی؛ ***تفسیر موضوعی*** (پیشینه، اقسام، روش‌ها)، حبیب‌الله زارعی؛ ***التفسیر الموضوعی بین النظریة والتطبیق***، صالح عبدالفتاح خالدی؛ ***نگاهی به تفاسیر موضوعی قرآن***، سید محمدعلی ایازی، کیهان اندیشه شماره ۲۸؛ ***تفسیر موضوعی*** (چیستی و بیان روش‌ها)؛ سید هدایت جلیلی؛ مقدمه ***پیام قرآن***، ناصر مکارم شیرازی و ... . (بنگرید به: گروه کارورزی تفسیر موضوعی مؤسسه امام خمینی‌ره، ۱۳۸۴: ۱۰۸ ـ ۱۰۱)

همچنین در کتاب‌هایی که درباره روش‌های تفسیری و مفسران است، به‌طور گذرا و کوتاه به تفسیر موضوعی پرداخته شده است و در چند سال اخیر نیز مقالات متعددی درباره چیستی، روش‌ها، چالش‌ها و نقد مخالفین این نوع تفسیر به نگارش درآمده است.

تعریف تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی روشی است برای کشف، شناخت و تبیین موضوع با ملاحظه آیات مشترک، هم‌موضوع و هم‌مضمون یا مبانی‌ای که به شناخت مطلب کمک می‌کند.

از نظر شهید صدر حرکت تفسیری، در بررسی‌های موضوعی قرآن از متن زندگی بشر و واقعیت‌های فکری موجود در آن آغاز می‌شود، نه با انتخاب موضوعی از قرآن و آیات وابسته به آن. تفسیر موضوعی کار خود را با آشنایی و فراگیری محصول تجربه فکری بشر و دریافت افکار و محتوای آن آغاز کرده، سپس به سراغ قرآن می‌رود. البته نه به قصد تحمیل تجربه

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

بشری بر قرآن، یا فراهم کردن زمینه‌های تسلیم و کرنش قرآن در برابر دانش‌های بشری! بلکه قرار دادن تجربه بشری و مطالب قرآن در یک بستر پژوهشی مدنظر است، تا نظر قرآن به گونه روشن درباره موضوع مورد تجربه انسان آشکار گردد. (بنگرید به: صدر، ۱۴۲۱: ۲۵، ۲۸ و ۸۴)

در این روش، مفسّر با کنار هم قرار دادن آیات مختلف درباره یک موضوع و جمع‌بندی و تحلیل آنها دیدگاه قرآن درباره آن موضوع را ارائه می‌دهد. تفسیر موضوعی معمولاً درپی پاسخ‌گویی به پرسشی است که در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فقهی و حتی مفهومی مطرح است و مفسّر به‌دنبال نظریه‌پردازی و استخراج دیدگاه قرآن درباره پرسش مزبور است. (بنگرید به: حکیم، ۱۴۲۰: ۹۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۱ / ۲۱ ـ ۱۹؛ ذهبی، بی‌تا: ۱۴۹ ـ ۱۴۸)

هدف تفسیر موضوعی

در تفسیر ترتیبی مدلول آیات قرآن گذشته از استخراج نظریه، به ترتیب مصحف انجام می‌گیرد و هدف مفسّر پرده‌برداری از مفهوم و مراد معنای آیه است. بدین خاطر، اهداف نهایی در تفسیر ترتیبی، کشف معانی مفردات و شناخت مراد هریک از آیات است، گرچه این هدف به کمک آیات دیگر انجام می‌گیرد.

اما در تفسیر موضوعی هدف مفسّر بسی گسترده‌تر از حد فهم آیه یا مفردات یک آیه است، هدف نهایی او دستیابی به نظریه قرآنی درباره موضوعی از موضوعات مختلف با توجه به فهم و مدلول یکایک آیات، یا کشف و ارائه منسجم دیدگاه قرآن درباره موضوعی است که خودش آن را طرح کرده یا عبارت‌ها و بیان‌های به‌ظاهر مختلف درباره آن ارائه داده است.

ضابطه‌مندی در تفسیر شرط اساسی دستیابی به معارف قرآن کریم است. مفسر باید معیارهای لازم را به‌دقت در تفسیر خود مراعات نماید؛ چراکه بدون رعایت ضوابط و پیمودن تمام مراحل لازم و اساسی نمی‌توان به فهم درستی از قرآن دست یافت.

در تفسیر موضوعی بحث می‌تواند نظری یا علمی باشد و نظریه نیز می‌تواند خارجی، یا ذهنی و ماواریی، و یا حتی مفهومی یا توصیفی باشد.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

در تفسیر موضوعی مفسر به‌جای تمرکز بر پرده‌برداری از یک واژه یا مفاد یک جمله در آیه، درپی کشف موضع و دیدگاه قرآن درباره یکی از موضوعات در کل قرآن است.

رسالت تفسیر موضوعی در هر مرحله و در هر عصری ارائه تمام میراث فرهنگی بشری و افکار و مقوله‌های مفسر در پیشگاه قرآن به‌منظور داوری درباره مجموعه دستاوردهای بشری است. (صدر، ۱۴۲۱: ۲۲)

عنصر موضوع

با توجه به مطالبی که گذشت، موضوع می‌تواند یکی از موارد ذیل باشد:

۱. عنوان و مفهومی که در قرآن آمده و محور بحث‌های درون‌متنی قرآن قرار گرفته و مفهوم آن بررسی و کاوش می‌شود. مانند تشابه، شرک و ده‌ها کلمه‌ای که بعضاً تنها جنبه مفهوم‌شناسی، یا جنبه علوم قرآنی داشته، مقدمه تفسیر قرار می‌گیرند و در فهم کامل یا بعض قرآن مؤثراند؛ مانند: کلمه الله، کتاب، تبیان، کرسی، قلم. در تمام این موارد آنچه می‌تواند از بحث‌های واژه‌شناسی ممتاز باشد، جمع‌بندی‌ها و تحلیل‌های فراآیه‌ای است. (تفسیر موضوعی درون قرآنی)

۲. عناوین منطقی و ذهنی فراتر از بحث‌های مفهومی به‌منزله موضوعاتی نظری که خارج از پرسش‌های روزمره زندگی انسان‌اند؛ مانند: بحث و بررسی درباره عالم غیب، ملائکه و جن که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در آیات مختلف قرآن به آنها اشاره شده است.

در این دسته از موضوعات، درپی استخراج نظریه قرآن، با گردآوری و چینش منطقی آیات مشترک و مربوط به موضوع، متناسب با محورهای کلی و جزئی، به کنکاش در آنها پرداخته می‌شود. (تفسیر موضوعی برون‌قرآنی یا استنطاقی)

۳. عناوین محورهای خارجی‌ای که به گونه‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان مؤثراند و انسان از رهنمود و موضع دین درباره آنها بی‌اطلاع است؛ مانند: آزادی، حکومت، قدرت، معیشت و الگوی مصرف.

۴. در بینش نخست، موضوعات قرآنی از قبل معین و محدوداند و مفسر هم موضوع را از قرآن می‌گیرد و هم در پرتو قرآن به بررسی و ارزشیابی آن می‌پردازد. ولی در نگاه دوم، قرآن

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

ناظر بر مسائل فکری زندگی است و برای هر مسئله رهنمودی داشته، پابه‌پای تجربه‌های بشری به بازدهی و رهنمایی‌هایش تا بی‌نهایت ادامه می‌دهد. (صدر، ۱۴۲۱: ۲۳)

گزینش موضوع

در این مرحله، توجه به چند نکته اساسی ضروری است:

۱. جزئی بودن موضوع به منظور ارائه نظری خاص درباره آن؛ اوصاف موضوع منتخب از حیث اطلاق و تقیید باید روشن باشد تا تداخلی در مباحث صورت نگیرد. مثلاً اگر «تقوا» محور موضوع است، ارتباط بین آن و چیز دیگری مانند: رابطه تقوا و رزق تعیین گردد تا بتواند درباره آن نظریه‌ای ارائه دهد. (زارعی، ۱۳۸۴: ۱۷)

۲. تعیین دقیق قلمرو موضوع؛ باید حد و مرز موضوع و ابعاد آن از حیث معنا و وصف کاملاً مشخص گردد؛ چراکه مسئله‌محوری و ریز کردن موضوع در این مرحله، بسیار حائز اهمیت است.

۳. اینکه موضوع از دایره نظریه‌پردازی قرآن خارج نباشد و قرآن مجید به جوانب گوناگون آن به حد کافی پرداخته باشد. (بنگرید به: فتحی، ۱۳۸۵: ۹۷)

۴. ضرورت انتخاب هدفمند موضوع ؛ میزان نیاز زمان و جامعه به این موضوع و نقش آن در هدایت جامعه و جوانب ضروری تحت پوشش آن و میزان مشکلاتی که با این نظریه‌پردازی حل می‌شوند، در انتخاب موضوع بسیار حائز اهمیت‌اند.

۵. موضوع منتخب باید زنده و نو باشد، بدین‌معنا که در عرصه حیات فکری و عملی بشر پاسخ‌گوی مسائل و سرنوشت بشر و اجتماع باشد. (جلیلی، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

شایان توجه اینکه بعضی از موضوعات به رغم داشتن صبغه‌ای کهن و پیشینه تاریخی بلند، طرح و حل آن همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی بشر بوده، انسان هیچگاه خود را از حل آن بی‌نیاز نمی‌بیند. مسائلی همچون «فطرت»، «فلسفه آفرینش» و «جبر و اختیار»، با وجود پیشینه کهن، از مسائل جاودانه و زنده بشر به‌شمار می‌آیند.

۶ . ادراک پذیر بودن موضوع؛ بدین معنا که مفسر آن را با تمام وجود ادراک کرده باشد. در غیر این‌صورت، جهت‌گیری و هدف پژوهش برای وی مبهم خواهد بود.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

۷. بسیط و ساده بودن موضوع؛ موضوع نباید حالت ترکیبی داشته باشد، زیرا در موضوعات ترکیبی، دستیابی به یک نتیجه و نظریه واحد، چندان آسان نیست. (حافظنیا، ۱۳۸۳: ۳۶۷ ـ ۳۶۴)

۸ . انتخاب موضوع بدون پیش‌فرض ذهنی خاص؛ غرض مفسّر از طرح بحث نباید بیرون کشیدن دیدگاهی خاص از قرآن و به منظور تأیید نظریه‌ای خاص باشد؛ زیرا این کار به استخدام قرآن برای رسیدن به مقاصد فردی، تحریف معنوی آن و تحمیل رأی بر قرآن می‌انجامد. (بنگرید به: الخالدی، بی‌تا: ۶۲)

عنصر هدف در تفسیر موضوعی

عنصر هدف در تفسیر موضوعی، در روشن کردن موضوع و جهت‌گیری مفسّر، تأثیر به‌سزایی دارد. مشخص بودن هدف موجب شناخت بهتر قلمرو تفسیر موضوعی، و برطرف شدن اختلافات درباره محدوده تفسیر موضوعی و ارائه و تلقی درستی از آن خواهد شد.

اهدافی که ممکن است مدنظر مفسر موضوعی قرار گیرد به یکی از شکل‌های ذیل است:

۱. شناخت دیدگاه‌های قرآن درباره همه اموری که قرآن آنها را مطرح کرده است، اعم از آرایی که در جهت حل مشکلات جوامع و عقاید آنان است یا مقوله‌هایی که در زبان قرآن جنبه کلیدی دارد، یعنی مفاهیم و معانی که در تشکیل نگرش قرآن نسبت به جهان نقش قطعی دارند. مثلاً می‌خواهیم بدانیم منظور قرآن از کلمه «الله» چیست و آیا «الله» مفهوم جدیدی است یا پیش از اسلام سابقه داشته است؟

یا می‌خواهیم حوزه واژه‌شناسی و معناشناسی خدا و انسان را در قرآن به‌دست آوریم. همانند کاری که ایزوتسو انجام داده است (ایزوتسو، ۱۳۶۱)

۲. شناخت آرای قرآن درباره موضوعات اعتقادی چون توحید، نبوت، جن، قیامت و مانند آنها. دراین‌صورت، با کنار یکدیگر قرار دادن آیات مشترک‌المضمون می‌توان به فهم و استنباط نظریه قرآن دست یافت.

۳. شناخت موضوعات زندگی انسان، موضوعاتی که در سیر تطور بشر در حال دگرگونی بوده و هر روز به‌صورت مسئله و مشکلی به انسان روی می‌آورد. در این نوع تفسیر دستیابی

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

به موضع قرآن در میان راه‌حل‌ها و تجربه‌های گوناگونی که بشر ارائه داده مدنظر است. (بنگرید به: صدر، ۱۴۲۱: ۲۲، ۲۵ و ۲۸)

اگر منظور از تفسیر را پرده‌برداری و هدف تفسیر موضوعی را استخراج دیدگاه‌های قرآن بدانیم، هر سه محور مزبور می‌تواند در دایره تفسیر موضوعی قرار گرفته، از اهداف تفسیر موضوعی تلقی شود.

ویژگی‌های تفسیر موضوعی

امروزه ارائه تفسیر موضوعی افزون بر اینکه ضرورتی اجتناب ناپذیر است، ویژگی‌هایی دارد که در تفسیر ترتیبی کمتر یافت می‌شود؛ ویژگی‌هایی همچون:

الف) والایی در هدف: هدف در تفسیر ترتیبی فهم معانی قرآن است، با قطع نظر از آنکه آن مفهوم، مورد نیاز مخاطب یا پاسخ‌گوی نیاز روز باشد یا نباشد، برخلاف تفسیر موضوعی که درصدد دستیابی به دیدگاه‌های قرآن در مسائل مورد نیاز و ارائه آن به مخاطبان به منزله آرایی پویا و زنده است.

ب) ژرف‌نگری: در تفسیر ترتیبی با توجه به گستره وسیع آیات و ابعاد مختلف آنها، مباحث متنوع و دامنه‌داری مطرح می‌شود که سراسر قرآن را پوشش می‌دهد. برخلاف تفسیر موضوعی که به بررسی یک یا چند موضوع مرتبط با هم به منظور دستیابی به نظر قرآن درباره آن می‌پردازد. درواقع موضوع تفسیر ترتیبی، گسترده و تا اندازه‌ای سطحی و موضوع تفسیر موضوعی محدود و عمیق است.

ج) نقش اثباتی: در تفسیر ترتیبی، مفسر بدون هیچ پیش‌فرضی آنچه را قرآن می‌گوید می‌شنود، قرآن اعطا می‌کند و مفسّر می‌پذیرد. اما در تفسیر موضوعی، مفسّر تنها شنونده نیست؛ بلکه در نقش یک هم بحث، با قرآن سخن می‌گوید؛ مفسّر از قرآن می‌پرسد و قرآن پاسخ می‌دهد. موضوع فرضیه‌ها را به قرآن عرضه می‌دارد و نظر قرآن را جویا می‌شود. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲ / ۵۲۸)

روش‌های تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی دارای روش‌هایی است. مفسران موضوعی با نگرش‌های مختلف، از روش

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

یکسانی پیروی نکرده، شیوه طرح مباحث و ورود و خروج و شکل استنباط آنها متفاوت است. با نگاهی به تفاسیر موضوعی می‌توان روش‌های گوناگونی را برشمرد. روش‌هایی که ناشی از جهت‌گیری‌ها، دانسته‌ها، حساسیت‌ها و در نهایت مبانی مختلف مفسرین آنهاست.

اگرچه تفسیر موضوعی حرکتی نوپاست، این چندگانگی و اختلاف روش، در میان مجموعه‌های موجود مشاهده می‌گردد، مثلاً مفسری که معتقد است موضوعات قرآنی در تعامل با اندیشه‌های انسان و تجارب بشری شکل می‌گیرد نباید در استنباط موضوعات از قرآن پاسخ‌طلبی انفعالی داشته باشد، بلکه باید موضوعات پس از بررسی از متن زندگی و واقعیات و نیازهای آن و جمع‌آوری و فهم دیدگاه‌های موجود در این زمینه، به سراغ قرآن برود؛ روش چنین مفسری با روش کسی که موضوعات را صرفاً از قرآن می‌داند بسیار متفاوت خواهد بود؛ چراکه روش چنین فردی برخلاف دیدگاه نخست الزاماً آگاهی از دانش‌های بیرونی و تجارب بشری نیست که در تفسیر موضوعی درپی منقح کردن دیدگاه‌ها و بهره‌گیری از تجربیات بشری درباره موضوع است. (صدر، ۱۴۲۱: ۵۲۷)

یکی موضوعات را از مسائل و معیارهای فکری و اجتماعی خارج از متن قرآن می‌گیرد و دیگری موضوعات را از قرآن. از سوی دیگر، فقه نیز درحقیقت نوعی تفسیر موضوعی حدیث و قرآن است با روشی متفاوت که با نگاهی به کتاب‌های فقهی به‌وضوح می‌توان این تفاوت را مشاهده کرد.

گذشته از اینکه روش آیات‌الاحکام نویسان عموماً استنادی است، عده‌ای در تفسیر موضوعی از روش تحلیلی و توصیفی و عده‌ای از روش مقایسه تجارب بشری و رهنمودهای قرآنی استفاده کرده‌اند که گاهی از آن به روش توحیدی تعبیر می‌شود؛ عده‌ای نیز روش علمی و استفاده از اکتشافات، آرا و تئوری‌های علمی و تفاسیر آن با آیات را به‌کار برده‌اند.

به‌هرحال تفاسیر موضوعی از سه جهت قابل تقسیم‌اند:

۱. براساس باور و بینش و گرایش‌های مذهبی و اجتماعی؛

۲. براساس روش (نحوه ورود و خروج مفسّر و تلّقی او از تفسیر موضوعی) که موجب تفاوت در روش شده است؛

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

۳. براساس تنظیم و ترتیب مباحث و چینش آیات. (ایازی، کیهان اندیشه، ۱۳۸۶ش)

بنابراین مفسّری در تفسیر موضوعی در کنار استفاده از سنت، برای فهم کتاب به مقایسه‌های تفسیری می‌پردازد یا روش‌های تاریخی و تجربی را در فهم نص به‌کار می‌گیرد، روش خاصی را برای تفسیر موضوعی دنبال می‌کند که با روش مفسّرانی که این مبانی را نپذیرفته و حقانیتی برای روش‌های تجربی و تاریخی قائل نیستند، متفاوت خواهد شد.

بنابراین آنچه مفسّر موضوعی مبنای فهم خود قرار می‌دهد، درحقیقت روش متفاوتی ایجاد می‌کند که در شکل استنباط او تأثیرگذار است.

اجمالاً تفسیر موضوعی بنابر آنچه بزرگان گفته‌اند به دو روش است:

الف) نخست استخراج تک‌تک مسائل مطرح شده در قرآن و گردآوری آیات مربوط به هر مسئله به تفکیک و سپس بررسی موضوع با در نظر گرفتن مجموع آن آیات؛ درحقیقت، این نوع تفسیر موضوعی، نشستن و گوش فرادادن به قرآن است. در این نوع تفسیر، قرآن، خود، سخن گفته، و پیام خود را می‌رساند و نقش ما تنها ثبت و ضبط پیام‌های قرآنی است.

ب) دریافت مسائل از متن و واقعیت و بررسی و گردآوری نیازهای واقع در متن زندگی به منظور جست‌وجوی پاسخ آنها از قرآن؛ این نوع تفسیر، درواقع مباحثه کردن با قرآن با الهام گرفتن از نیازهای ملموس زندگی است؛ چراکه در این روش پس از طرح پرسش، پاسخ آن در قرآن جست‌وجو می‌شود. این روش را می‌توان روش «استنطاقی» نامید. (حکیم، ۱۴۲۰: ۱۹؛ صدر، ۲۸؛ معرفت، ۱۳۷۹: ۵۲۸ ـ ۵۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۱ / ۲۹)

این شیوه، درست همان است که امیرمؤمنان﵇ بدان دستور فرموده‌اند:

> ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولکن اخبرکم عنه الا ان فیه علم ما یاتي والحدیث عن الماضي و دواء دائکم و نظم ما بینکم. (سید رضی، بی‌تا: خ ۱۵۸)

منظور از «استنطاق» تعمّق و تدبّر در گفته‌های قرآن است که با کنار هم گذاشتن آیات مربوط، آنچه در حالت پراکنده، گویا نبود، گویا می‌شود. آن حضرت﵇ می‌فرماید:

> و ینطق بعضه ببعض (سید رضی، بی‌تا: خ ۱۵۸) و یشهد بعضه علي بعض. (همو، خ ۱۳۳)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

برخی از آیاتی که خود، به‌تنهایی، گویا نیستند با قرار گرفتن در کنار آیات متناسب و مرتبط، گویا می‌شوند و برخی بر برخی گواه خواهند بود تا مفادشان به‌خوبی روشن و هویدا گردد.

تفاوت تفسیر موضوعی با تفسیر قرآن به قرآن

مفسّر واقعی کسی است که در تفسیر آیات قرآن، خود را از هر نوع عقیده و پیش‌داوری مجرد سازد و به‌جای عرضه قرآن بر افکار و آرای خود، افکار خود را بر قرآن عرضه کند.

برای فتح قله‌های علمی قرآن و کشف رازهای نهفته و گنجینه‌های گران‌بهای آن بهترین راه، مطالعه خود قرآن و بررسی آیات مشابه و همانند در درجه نخست و احادیث قطعی اسلامی در درجه دوم است. (سبحانی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۸)

قرآن در جایی خود را تبیان و بازگوکننده همه چیز معرفی می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید:

وَنَزَّلْنَا عَلَیک الْکتَابَ تِبْیانًا لِکلِّ شَیءٍ. (نحل / ۸۹)

و در جای دیگر خود را بدین صورت معرفی می‌کند:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًی لِلنَّاسِ وَ بَینَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ. (بقره / ۱۸۵)

وَ أَنْزَلْنَا إِلَیکمْ نُورًا مُبِینًا. (نساء / ۱۷۴)

برخی گمان کرده‌اند تفسیر موضوعی، همان تفسیر قرآن به قرآن است. دقت در سیر تطور و نیازهای تفسیر موضوعی، بیانگر مشابهت بسیار این دو گرایش است. افزون بر این، زمینه‌های گرایش به تفسیر موضوعی و خاستگاه استخراج نظریه، در محیط تفسیر قرآن به قرآن فراهم شده است؛ اما ازآنجاکه هدف این دو متفاوت است، نباید این دو را یکی تلقی کرد.

درست است که مراحل ابتدایی تفسیر موضوعی با شرح کوتاه آیات و استمداد از آیات دیگر آغاز گردیده است و در تفاسیر گذشتگان بسیار دیده می‌شود که با استمداد آیات مشترک‌المضمون به شرح و معنای آیه مورد نظر پرداخته و منظور قرآن را از یک جمله و آیه و حتی یک واژه به‌دست آورده‌اند. در میان تفسیرهای ترتیبی، روش تفسیر قرآن به قرآن کم نیستند و حتی برخی از مفسّران از این روش به‌عنوان نخستین منبع مراجعه برای فهم آیه

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

سخن گفته‌اند و از آن به‌عنوان بهترین روش تفسیری یاد کرده‌انـد. (طوسـی، بـی‌تـا: ۱ / ۴؛ ابن‌کثیر، بی‌تا: ۱ / ۴؛ زرکشی، بی‌تا: ۲ / ۲۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۲ ـ ۱۱)

نکته مهم و تفاوت اصلی در تفسیر قرآن به قرآن این است که مفسّر با تمرکز بر یک آیه، برای ارائه تفسیر آن و دستیابی به درک جامعی از آن از آیات دیگر استمداد مـی‌جویـد؛ خـواه آیات مزبور از نظر مضمون و سیاق به آیه مدنظر مفسر شباهت داشته باشد یا نه.

مفسّر طبعاً با این روش به فهـم و عمـق بیشـتری از آیـه دسـت خواهـد یافـت؛ چراکـه طبیعی‌ترین راه برای فهم کلام مراجعه به سایر کلمات گویند است. به گفته علامه طباطبایی در *المیزان* منحصرترین روش آن است که ما به خود قرآن مراجعه کنیم و از سـایر کلمـات و آیات برای فهم آیه مدد بجـوییم. (طباطبـایی، ۱۳۸۹: ۴ / ۷۳) حـال آنکـه هـدف از تفسـیر موضوعی استخراج نظریه و استنباط دیدگاه قرآن است. به‌هرحال، تفسیر قرآن به قـرآن پایـه تفسیر موضوعی است.

شهید صدر در پژوهش‌های قرآنی خود سه دلیل برای ترجیح شیوه تفسیر موضوعی قرآن بر شیوه تفسیر ترتیبی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. تفسیر موضوعی حالتی از تعامل با واقعیت خارجی است، یعنی مفسر از واقعیت زندگی آغاز می‌کند و با تمرکز بر موضوعی از موضوعات اعتقادی، اجتماعی و هستی زندگی و طـرح تجربیات و راه‌حل‌های اندیشه بشری درباره آن، موضوع مزبور را به قرآن عرضـه کـرده، بـه تبیین موضع قرآن کریم درباره آن می‌پردازد؛ درحالی‌که این ویژگی در شـیوه تفسـیر ترتیبـی وجود ندارد. (بنگرید به: صدر، ۱۴۲۱: ۲۸ ـ ۲۵)

۲. مفسر در تفسیر موضوعی قرآن کریم، به تبیین مفاهیم دقیق آیات قرآن آن‌چنان که در تفسیر ترتیبی قرآن است، بسنده نمی‌کند، بلکه می‌کوشد با دستیابی وجه ارتباط این مفاهیم، به نظریه مرکب (جامع) قرآنی در این زمینه دست یابد. (بنگرید به: صدر، ۱۴۲۱: ۳۹ ـ ۲۲)

۳. پراکندگی موضوع در تفسیر ترتیبی، منجر به بروز تناقض‌های مذهبی متعـدد در عرصـه اسلامی می‌شود، که این تناقض در بسیاری از مسائل کلامی مانند جبر و اختیار رخ داده اسـت، درحالی‌که بسیاری از تناقض‌ها در تفسیر موضوعی رخ نخواهد داد. (بنگرید به: همان: ۱۲ ـ ۱۱)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

همچنین، شهید صدر تفسیر موضوعی قرآن کریم را همگام و هم‌سو با تحولات بشری در تمامی ابعاد آن می‌داند. (همان: ۲۴ ـ ۲۲)

به هر حال، در تفسیر موضوعی کمتر بر آیه‌ای خاص تأکید می‌شود. ممکن است به یک آیه بیشتر استشهاد شود یا به‌منزله آیه محکم، آیات دیگر به آن ارجاع داده شود؛ اما هدف، کشف معانی مفرد و شناخت مرادِ هریک از آیات نیست؛ بلکه هدف تبیین موضوع و عنوان کلی با توجه به نظر قرآن است. ازاین‌رو، در تفسیر موضوعی، آیات نظیر، شبیه و مرتبط در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد، و بیش‌از آنکه بخواهد به فهم معانی واژه، جمله و آیه بپردازد، تئوری، طرح و نظریه خاصی را تعقیب می‌کند و درپی پاسخ به سؤالی خاص و دستیابی به فهم دیدگاه قرآن درباره آن موضوع است.

نتیجه

۱. هدف تفسیر موضوعی استخراج دیدگاه و تئوری قرآن نسبت به موضوعی مشخص است؛

۲. تفسیر موضوعی در امتداد تفسیر ترتیبی است و مفسّر موضوعی برخلاف مفسر ترتیبی از آن جهت که درباره یک موضوع و ابعاد آن با نگاهی تحلیلی، گسترده و عمیق می‌نگرد، نقش ایجابی و فعال دارد. این نوع تفسیر به‌جهت تلفیق تجربه بشری با دیدگاه قرآن به منظور استنتاج، توحیدی نامیده می‌شود؛

۳. موضوع تفسیر موضوعی می‌تواند درون‌متنی یا ذهنی و ماوراءالطبیعی و یا از موضوعات عالم واقع و متن زندگی انسان باشد؛

۴. روش‌های تفسیر موضوعی بسته به مبانی مدنظر مفسّر، متفاوت است. ولی به‌طورکلی به دو روش ***استخراجی*** (موضوع و حکم هر دو مستخرج از قرآن) و ***استنطاقی*** (مسئله و تبیین موضوع خارج از قرآن و حکم و پاسخ‌های آن از قرآن) صورت می‌گیرد؛

۵. اگر تفسیر درپی تبیین یک واژه یا مدلول جمله از آیه‌ای دیگر باشد، قرآن به قرآن، و اگر هدف دستیابی به پیام قرآن یا بیان نکته‌ای کلی از مفاد قرآن یا استخراج نظریه باشد، موضوعی است؛ گرچه در ذیل یک آیه بحث شده باشد.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

۱. ابن‌تیمیه، بی‌تا، ***مقدمه فی اصول التفسیر***، بی‌نا.

۲. ابن‌کثیر، اسماعیل، بی‌تا، ***تفسیر القرآن العظیم***، بیروت، دارالجلیل.

۳. ایازی، محمدعلی، ۱۳۸۶، «نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر»، ***کیهان اندیشه***، شماره ۲۸، بهمن و اسفند.

۴. ایزوتسو، توشی هیکو، ۱۳۶۸، ***خدا و انسان در قرآن***، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۵. جلیلی، سید هدایت، ۱۳۷۲، ***روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن***، تهران، کویر.

۶. جلیلی، سید هدایت، ۱۳۸۷، ***تفسیر موضوعی در چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۵، ***تفسیر موضوعی قرآن کریم***، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ دوم.

۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۳، ***مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی***، تهران، سمت.

۹. حکیم، محمدباقر، ۱۴۲۰ ق، ***تفسیر سوره حمد***، قم، مجمع الفکر الاسلامی.

۱۰. خالدی، صلاح عبدالفتاح، بی‌تا، ***التفسیر الموضوعی بین النظریه و التطبیق***، اردن، دار النفائس.

۱۱. ذهبی، محمدحسین، بی‌تا، ***التفسیر و المفسرون***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۲. زرکشی، محمد بن عبدالله، بی‌تا، ***البرهان فی علوم القرآن***، بیروت، دارالمعرفة.

۱۳. سبحانی، جعفر، ۱۳۶۰، ***منشور جاوید***، قم، توحید.

۱۴. صدر، سید حسن، ۱۳۳۸، ***تأسیس الشیعه***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۱۵. صدر، سید محمدباقر، ۱۳۶۹، ***سنت‌های اجتماعی و فلسفه و تاریخ در مکتب قرآن***، ترجمه حسین منوچهری، تهران، نشر فرهنگی رجاء.

۱۶. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۲۱ ق، ***المدرسة القرآنیة***، قم، مرکز بررسی آثار شهید صدر.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]

۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۹ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، بی‌تا، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۹، ***مبانی و روش‌های تفسیری قرآن***، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهارم.

۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳، ***بحار الأنوار***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۲۱. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، ***تفسیر و مفسران***، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۸، ***پیام قرآن***، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۶، ***تفسیر راهنما***، قم، بوستان کتاب.

ب) مقالات

۲۴. زارعی، حبیب الله، ۱۳۸۴، «تفسیر موضوعی، پیشینه، اقسام و روش‌ها»، مجله ***معرفت***، شماره ۹۶.

۲۵. فتحی، علی، ۱۳۸۵، «تفسیر موضوعی و مراحل آن»، مجله ***معرفت***، شماره ۸.

۲۶. کریمی، حسین، ۱۳۸۲، مفتاح الآیات، مجله ***فقه و مبانی حقوق سلامی***، شماره ۱.

۲۷. گروه کارورزی تفسیر موضوعی مؤسسه امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۴، «منبع‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن کریم»، مجله ***معرفت***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، شماره ۹۶.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.8.4.9]